



اعتراف به قتل پس از ۶ سال

در پرونده قتلی در کرچ کار آگاهان پلیس همگی اتفاق نظر داشتند که جرم توسط مستاجر مقتول اتفاق افتاده اما چون تحقیقات در روزهای اول حرفه‌ای نبودن این شخص مدتی را در بازداشت گذرانده و سپس آزاد شد اما سرانجام پس از حدود ۶ سال پیگیری مستمر همان متهم بازداشت شد و به قتل اعتراف کرد.



نیش قبر و راز گشایی از یک جنایت

وحید قدیمی از جمله قاتلان سریالی در دهه ۷۰ بود که مرتکب چندین فقره قتل و سرقت مسلحانه شده بود. کار آگاهان یکی پس از دیگری قتل‌ها را کشف کردند. درباره یکی از قتل‌ها شبهه وجود داشت تا اینکه با نیش قبر مردی که به طرز مشکوکی کشته شده بود یکی دیگر از قتل‌های او نیز بر ملا شد.



به دست آوردن چهره قاتل با تکنولوژی

شش‌رکتی خصوصی قابلیت جدیدی را به دنیای کشف جرم معرفی کرده است. براساس یافته‌های این تحقیق، می‌توان فرمول ژنتیک نمونه‌های بیولوژیکی باقیمانده در صحنه جرم را استخراج و به این سیستم معرفی کرد. سیستم مورد نظر قادر است مشخصات ظاهری و تصویر فرضی چهره آن شخص را ترسیم و تحویل کارآگاه دهد.



دستگیری قاتلان سال‌ها پس از جنایت

ممکن است در تحقیقات اولیه یک پرونده از شکات، مظنونان یا شهود، ملاحظه کاملی انجام نشده باشد یا فرد مورد نظر بنا به ملاحظات، تمام یا بخشی از حقایق را نگفته باشد اما بعد از سال‌ها آن ملاحظات از بین رفته‌اند و شاید از مطالب بیشتری را بگوید که به حل پرونده کمک کند.

افشای قتل‌های سریالی با نیش قبر

در دهه ۷۰ شخصی به نام وحید قدیمی به اتهام ارتکاب چندین فقره قتل شناسایی و دستگیر شد. هادی مصطفایی در این باره می‌گوید: داستان زندگی نیهکاران قدیمی بسیار طولانی است. شروعی باسرت از همکلاسی‌ها یاد آید که‌های روزنامه فروشی در محله مسلسبیل تاسرت مسلحانه، قتل و... او در بازجویی‌ها در حالی که داستان زندگی خود را تعریف می‌کرد گفت: وقتی فراری سوادم مدتی در شهرستان همدان اتاقی اجاره کردم و ساکن شدم، از شخصی که ساکن همان محل بود موادمخدر مصرفی خود را تهیه می‌کردم. یکبار موادی را که خریده بودم به خانه آوردم و وقتی مصرف کردم متوجه شدم موادمخدر اضافی اظان شده و اصلا کیفیت ندارد. شب سلاح را برداشتم، به در خانه او رفتم و وقتی در را باز کردم به سراغ شلیک کردم. به خانه برگشتم، وسایلم را جمع‌آوری و به شهر دیگری فرار کردم. زمانی که افسر تحقیق پرونده به شهرستان همدان رفت تا سابقه را بررسی کند متوجه شد مرتگ آن شخص بر اثر زمین خوردن و اصابت ستر به زمین قلمداد شده است. سلاح مورد استفاده از نوع دست‌ساز و ضعیف بود. گلوله وارد سرت شد ولی خارج نشده بود، وجود یک زخم کوچک روی ناحیه ستر بدون اینکه کسی صدای منازعه یا تیر را بشنود مأمور بررسی صحنه را به اشتباه انداخته بود. پس از نیش قبر مرتمی را در داخل جمعمه پیدا کردند.

سایه به سایه در تعقیب جنایتکاران

هادی مصطفایی، جنایی‌ترین کارآگاه کشور از چگونگی شناسایی و دستگیری قاتلان فراری می‌گوید. **راز گشایی از معماهای جنایی** شیری بی‌زیادی دارد، همانطور که پیداکردن سرخ و ناتمام‌نشدن پرونده تلخ است. از این تلخی‌ها صحبت کنید. همکاری می‌گفت پرونده‌ای داشتیم که قربانی آن یک خانم مسن بود. تنها بار مانده وی برادر معلولش بود که هر چند وقت یکبار سری به اداره می‌زد، خود را به جلوی میز می‌رساند و می‌گفت «ایلات باشد قاتل موامر مرا پیدا نکردی» و می‌رفت بار سنگین پرونده‌های حل نشده یک کارآگاه یا باز پرس نه‌تنها تا پایان خدمت که تا پایان عمر بدوش آنها سنگینی می‌کند. در فرایند پی‌جویی یک جنایت، افسر یا باز پرس برای مدتی نسبتاً طولانی از نظر ذهنی درگیر موضوع می‌شوند، رنج‌ها و دردهای بازماندگان را از نزدیک حس می‌کنند، احساسات سختی را که بر قربانی گذشته درک می‌کنند و می‌دانند کشف موضوع تسکینی بر این رنج‌هاست و زمانی که نتیجه ندهد چه بخواهند و چه نخواهند در این رنج سهیم می‌شوند.



وقتی قتلی اتفاق می‌افتد، کارآگاهان پلیس همه توان خود را برای کشف جرم به کار می‌گیرند اما گاهی با وجود همه تلاشی که انجام می‌دهند به نتیجه‌ای نمی‌رسند و راز گشایی از پرونده جنایی به کلافی سر درگم برایشان تبدیل می‌شود. با وجود این رسیدگی به این پرونده‌ها هیچ وقت روانی می‌شود. شاید به همین دلیل باشد که گاهی مثلا عامل یک جنایت بعد از گذشت ۳۰ سال دستگیری می‌شود. سرهنگ بازنیستسته کارآگاه یکم جنایی، هادی مصطفایی از جمله کارآگاهانی است که در دستگیری قاتلان زیادی نقش داشته است. او که در دهه ۸۰ و ۹۰ امش با رازگشایی از مهم‌ترین پرونده‌های جنایی از جمله محمد بیچه (قاتل سریالی کودک‌کشان پاکدشت)، غلامرضا خوشرو (خفاش شب)، فرید بغلانی (قاتل سریالی آبادان)، امید برک (قاتل سریالی کرچ)، سعید جنایی (قاتل عنکبوتی مشهد)، همین قدری (اولین قاتل سریالی زن) و... پیوند خورده بود این روزها به حوزه آموزش و انتقال تجربیات کارآگاهان پیشکسوت در پی‌جویی پرونده‌ها علاقه‌مند شده است. او در گفت‌وگویی با همشهری از چگونگی رسیدگی به پرونده‌های قدیمی که هنوز قاتلان‌شان شناسایی نشده‌اند می‌گوید.

وقتی یک جنایت اتفاق می‌افتد، پلیس تا چه زمانی تحقیقات برای دستگیری قاتل را ادامه می‌دهد؟

برای قانون مجازات اسلامی، جرائم تعزیری که مستوجب حدود و دپه و قصاص هستند مشمول مرور زمان نمی‌شوند و گذشتت زمان موجب از بین رفتن حق فرد نمی‌شود. اما ممکن است پرونده شرایطی داشته باشد که عملاً انجام هیچ تحقیق جدیدی به ذهن‌خطر نکند و پرونده راکد باقی‌ماند. تأکید بر بازنگری پرونده‌های معوق جنایی توسط افراد دیگر یکی از راه‌های استمرار تحقیقات و رهایی از این بست است.

اگر با وجود همه تلاش‌هایی که انجام شده، پلیس نتواند قاتل را شناسایی کند یا اینکه قاتل شناسایی شود اما نتواند او را دستگیر کند چه اتفاقی می‌افتد؟

اگر پرونده قتلی پس از تحقیقات جامع و کافی به سرانجام نرسد، پرونده راکد محسوب می‌شود که در ادامه و با گذشتت زمان، اصطلاح «سمن» یا «معوق» را هم درباره آن به کار می‌برند. در بعضی کشورها، واحدهای جداگانه‌ای برای رسیدگی به این نوع پرونده‌ها داریم می‌کنند و معمولاً موفقیت‌هایی هم دارند. حدود ۲ دهه قبل در بعضی مناطق کشور که رسوم و سنن قبیله‌ای و عشیره‌ای حاکم است برای



عکس‌های منجم به قتل قبل از دستگیری و در دوران محکومیت

پخته‌تر شده و مهارت بیشتری کسب می‌کنند. از هر افسر جنایی که درباره پرونده‌های قدیمی کشف نشده‌اش سؤال کنید خواهد گفت دوست دارم یکبار دیگر برگردم و با تجربه فعلی و امکانات امروز آن موضوع را بررسی کنم و اطمینان دارم نتیجه‌بهتری خواهیم گرفت.

ممکن است یک کارآگاه کهنه‌کار در پرونده‌های ناگهانی کار در پرونده‌های ناگهانی

بماند اما همکاری تازه‌کارش به سر نخ‌هایی دست پیدا کند. در این شرایط به کارآگاه کهنه‌کار چه حساسی دست می‌دهد؟ وقتی باز پرس یا افسری مجرب که در کشف یک پرونده موفق نشده است ببیند آن پرونده برای یک تازه‌کار با حتی یک فعال اجتماعی یا رسانه مهم تلقی شده و نکات تازه‌ای را مطرح می‌کنند که او متوجه نشده است ممکن است حسن خوبی نباشد. یک نوع القای حس ناوثانی و خنده‌ساز شدن اعتماد به نفس است، اما به‌نظر من، چنین حس‌هایی در دست نیستند. اگر نفر دوم در کشف موضوع موفق شده، به معنی ناتوانی نفر اول نیست. شاید نفر دوم از همان پله‌هایی بالا رفته که نفر اول ساخته است. شاید نفر دوم فرصت امکانات بیشتری نسبت به قبلی داشته، در شرایط زمانی نفر دوم، مدرک جدیدی ورشده است و شاید نفر سوم هوش و استعداد بیشتری نسبت به من دارد. پس باید به حضور چنین شخصی در مجموعه و در کنار خود بیابم و افتخار کنم.

پرونده‌ای را به‌خاطر دارم که ممکن است شما هم شنیده باشید. در خردادماه سال ۱۳۹۲ جسد پسر ۱۷ساله به نام یاشسار در انتهای بزرگراه همت پیدا شد. بعد از شناسایی هویت معلوم شد جسد پدر و مادر او هم که روز قبل مفقود شده بودند در حوالی روستای زیاران پیدا شده است. مجرم در ساعات اول صبح، نوجوان ۱۷ساله را با ترفندی به منزل خود کشانده و کشته بود، در ساعات ظهر، با پدر وی قرار گذاشته و به بهانه گرفتن وام او را به حوالی زیاران برده و با شلیک گلوله کشته و جسد را آتش زده بود، پس از این جنایت، با تلفن همراه مقتول با همسر وی صحبت کرده و او را هم به بهانه‌ای فریب داده و به همان محدوده برده و او را کشت. پس از این جنایت، به هر مناسبتی قبلی از شکات، مظنونان یا شهود، ملاحظه کاملی انجام نشده باشد یا فرد مورد نظر بنا به ملاحظات، تمام یا بخشی از حقایق را نگفته باشد. اکنون که زمانی سپری شده‌است آن ملاحظات از بین رفته‌اند و شاید او مطالب بیشتری را بگوید که به حل پرونده کمک کند. این نکته یکی از دلایل برای اثبات ضرورت بازنگری پرونده‌های معوق است. مثلاً مظنون ما مظنون خوش‌نام و دارای اعتباری بوده که احتمال جنایت توسط وی را بعید جلوه می‌داد اما اکنون ابعاد دیگری از شخصیت وی و کارهای مجرمانه او به اثبات رسیده است و ارتکاب جرم مورد نظر توسط او دور از

بعضی از پرونده‌های جنایی با وجود تلاش‌های کارآگاهان پلیس به نتیجه نمی‌رسند، با این حال بیشتر آنها همیشه انگیزه بالایی برای رازگشایی از این پرونده‌ها دارند و گاهی همین انگیزه باعث می‌شود که سال‌ها بعد معمای پرونده حل شود. این انگیزه از کجا نشأت می‌گیرد؟

هیچ کس از کار ناتمام خوشش نمی‌آید، یک پلیس خوب دوست دارد تمام پرونده‌هایی را که به او ارجاع می‌شوند حل کند. اما تقریباً بعد است که در واقعیت یک نفر به این درجه آزرادهنده‌ای از چند پرونده کشف نشده با خود به همراه دارد. پرونده‌های حل نشده، به هر مناسبتی قبلی از شکات، مظنونان یا شهود، ملاحظه کاملی انجام نشده باشد یا فرد مورد نظر بنا به ملاحظات، تمام یا بخشی از حقایق را نگفته باشد. اکنون که زمانی سپری شده‌است آن ملاحظات از بین رفته‌اند و شاید او مطالب بیشتری را بگوید که به حل پرونده کمک کند. این نکته یکی از دلایل برای اثبات ضرورت بازنگری پرونده‌های معوق است. مثلاً مظنون ما مظنون خوش‌نام و دارای اعتباری بوده که احتمال جنایت توسط وی را بعید جلوه می‌داد اما اکنون ابعاد دیگری از شخصیت وی و کارهای مجرمانه او به اثبات رسیده است و ارتکاب جرم مورد نظر توسط او دور از

نشدند و سرانجام پس از حدود ۶ سال پیگیری مستمر، مسئول آگاهی البرز ترفندی به کارگرفت که نتیجه‌داد و به بازداشت و اعتراف متهم منجر شد.

آیا موارد دیگری هم وجود دارد که شدت توجه کارآگاهان به این نوع پرونده‌ها را توجیه کند؟

باید یکبار خدومان را جسای بازماندگان قربانی پرونده بگذاریم. کسی که تنها امید و والا ترین سرمایه زندگی خود را از دست داده، مضطرب و در مانده است و مدام در این رویا به سر می‌برد که گوشه زنگ بخورد و از آن سوی خط صدای باز پرس یا افسر پرونده را بشنود که بگوید: «قاتل را روبیا به سر می‌برد که گوشه زنگ بخورد و از آن سوی خط صدای باز پرس یا افسر پرونده را بشنود که بگوید: «فرزندت را پیدا کردیم»، به اداره بیاپدید... هر حرف و سخنی غیر از این که به معنای این بست تحقیقات باشد و به او پایان تحقیقات را القا کند، بسیار بی‌رحمانه خواهد بود. مایه خجالت‌است اگر باعث این تصور شویم که سرنوشت گمشده او برای ما دیگر اهمیت ندارد یا برایمان مهم نیست جنایتکاری که مرتکب جرم شده است دارد رها و آزاد می‌گردد و زندگی می‌کند. پرونده‌های حل نشده علاوه بر رنجی که اولیای دم و بستگان افراد گمشده یا قربانیان سایر پرونده‌های جنایی (تجاوز، اسیدپاشی و...) تحمیل می‌کنند معضل بزرگی برای دستگاه قضایی و پلیس محسوب می‌شوند و در مواردی ممکن است اعتبار آنها را هم زیر سؤال ببرند.

گذشته از انتظار شکات یا اولیای دم برای رسیدن به نتیجه چه منطق دیگری برای ادامه تحقیقات در پرونده‌های که سال‌ها از تشکیل آن گذشته وجود دارد؟

منطق دیگر برای ضرورت بازنگری پرونده‌های قدیمی حل نشده، پیشرفت‌های سریع و شگفت‌انگیز علمی در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه کشف جرم است. در این مورد بدنیست اشاره‌ای به قابلیت استخراج تصویر فرضی از نمونه‌دی‌ان‌ای داشته باشم. شش‌رکتی خصوصی با تحقیقات گسترده و پرهزینه موفق شد قابلیت جدیدی را به دنیای کشف جرم معرفی کند. براساس یافته‌های این تحقیق، می‌توان فرمول ژنتیک نمونه‌های بیولوژیکی باقیمانده در صحنه جرم را استخراج و به این سیستم معرفی کرد. در تهران بررسی شد و در ادامه، کارآگاهان پلیس آگاهی فراجا هم وارد شدند. تقریباً همگی اتفاق نظر داشتند که جرم توسط همان مستاجر صورت گرفته و شواهد زیادی در جمع‌آوری شد. متأسفانه چون تحقیقات در روزهای اول پرونده حرفه‌ای نبود این شخص مدتی را در بازداشت گذرانده و سپس آزاد شده بود. تیم تحقیق در سال‌های ۹۴ تا ۹۵ تلاش‌های زیادی کردند اما او را به دلایلی که همواره نمی‌شد بازداشت مجدد وی مورد موافقت قرار نگرفت. کارآگاهان با علم به اینکه وی مظنون ردیف اول این پرونده است نامید

کشف جرم در پرونده‌های معوق در سایر کشورها

کارآگاه مصطفایی در باره کشف جرم در سایر کشورها می‌گوید: در ایالات متحده آمریکا وقتی قابلیت دی‌ان‌ای در حوزه کشف جرم را شناسایی کردند موفق شدند بسیاری از پرونده‌های معوق را حل کنند. نتایج یک تحقیق منتشر شده در آسوشیتدپرس در مورد ۱۱۰ زندانی که با انجام آزمایش دی‌ان‌ای بی‌گناهی آنها اثبات و از زندان آزاد شدند حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. در این بررسی مشخص شد نزدیک به دو سوم این افراد با شهادت اشتباه قربانیان و شاهدان معنی محکوم شده بودند، در ۴۰ درصد از موارد بادشده حکم صادره براساس نظر کارشناسان پزشکی قانونی بود که ثابت شد اشتباه یا ناشی از تخلف بوده است. در مورد، محکومان از افراد طبقه پایین اجتماع بودند که توان دفاع مناسب از خود نداشتند.



در پرونده‌های جنایی اشتباهات کارآگاهان تا چه حد می‌تواند روند پرونده را منحرف و کشف حقیقت را غیرممکن کند؟

یافته‌های تحقیق اعم از اظهارات افراد یا مدارک فیزیکی و به درستی، ارتباط یا عدم ارتباط آن با جنایت معلوم نشود نتیجه خوبی به بار نخواهد آورد. هر نتیجه که مغایر واقعیت و اصل ماجرا باشد، فاجعه تلقی می‌شود. اخیراً در بررسی پرونده فقدان یک مرد جوان، شواهد بسیار مبهم و گیج‌کننده بودند. بعضی نشانه‌ها وقوع جنایت و قتل وی را ادعایی می‌کردند و برخی دیگر این احتمال را به ذهن متبادر می‌کردند که وی مرتکب کلاهبرداری شده و فرار کرده است. سرانجام در یک تحقیق بسیار حرفه‌ای و دقیق توسط چند نفر از کارآگاهان راز فقدان وی کشف شد. معلوم شد شخصی که به وی اشاره کرد در برنامه قتل وی را طراحی و اجرا کرده و شواهدی که به فرافقدانی اشاره داشتند همگی ساختگی و صنعت‌سازی بوده‌اند. شکی نیست که حرفه‌ای‌ترین افراد در مهم‌ترین کارها هم ممکن است اشتباه کنند، چیزی را از قلم ببنندازند یا آن را بینیند. این قلم بی‌دانشانه در دل لایسل محکم بر لزوم بازنگری پرونده‌های معوق است که حل نشده باقی مانده‌اند.

آیا این امکان وجود دارد که در روند رسیدگی به یک پرونده کارآگاهان دچار اشتباه شوند و مثلاً فرد بی‌گناهی را محکوم کنند؟

ممکن است در تحقیقات اولیه یک پرونده از شکات، مظنونان یا شهود، ملاحظه کاملی انجام نشده باشد یا فرد مورد نظر بنا به ملاحظات، تمام یا بخشی از حقایق را نگفته باشد اما بعد از سال‌ها آن ملاحظات از بین رفته‌اند و شاید از مطالب بیشتری را بگوید که به حل پرونده کمک کند.

دوره جدید ۱۰ مهر ۱۴۰۳ شماره ۲۵